نقد نظر
شماره هشتم
شهریور ۱۴۰۵
۲۸

گسست توسعه از ماهیت مکان؛ نقدی بر الگوی رایج توسعه در مناظر مذهبی: تبیین سازوکارهای سازمان فضایی، وقف و حکمرانی با شواهدی از بافت پیرامون حرم رضوی

سمیه صبوری

پژوهشگر دکتری معماری منظر، دانشگاه تهران، ایران

چکیده

در پارادایم‌های رایج توسعه، موفقیت مداخلات شهری در مناظر مذهبی غالباً با معیارهای کمّی نظیر افزایش ظرفیت کالبدی، تسهیل شبکهٔ حرکتی، گسترش خدمات زیارتی و جذب سرمایه‌گذاری سنجیده می‌شود؛ حال‌آنکه این سنخ مداخلات می‌توانند مناسبات تاریخی، اجتماعی، فضایی و معنایی مقوّم مکان را دستخوش فرسایش سازند. پژوهش حاضر با هدف تبیین این چالش ساختاری، مفهوم «فرسایش رابطه‌مندی مکان» را در نقد الگوی توسعهٔ پروژه‌محور صورت‌بندی می‌کند. روش مطالعه، کیفی و مبتنی‌بر مرور مفهومی-انتقادی هدایت‌شده و تحلیل مضمون اسناد و منابع منتخب است؛ در این میان، پهنهٔ پیرامونی حرم مطهر رضوی نه به‌مثابه مطالعهٔ موردیِ محض، بلکه به‌عنوان موردی روشنگر بر پایهٔ شواهد ثانویه واکاوی می‌شود. یافته‌های تحلیلی نشان می‌دهد که فروکاستن «سازمان فضایی» به شبکهٔ حرکت و دسترسی، تقلیل «نهاد وقف» به دارایی اقتصادی، و فروکاهش «حکمرانی» به هماهنگی میان بازیگران مسلط، ظرفیت مکان را برای بازتولید پیوندهای میان حرم و شهر، زائر و مجاور، زیارت و حیات روزمره، و اقتصاد زیارت و معیشت بومی به شدت کاهش می‌دهد. بر این قیاس، فرسایش مکان صرفاً اضمحلال کالبد تاریخی نیست، بلکه اختلال در توان واسطه‌گری و اتصال میان کالبد، فعالیت، معنا، حافظهٔ جمعی و ساختارهای نهادی است. در نهایت، توسعهٔ مکان‌محور تنها زمانی محقق می‌شود که پیوستگی فضایی، کارکرد اجتماعی وقف و مشارکت اثرگذار ذی‌نفعان را در بستر تحولات حفظ و بازتنظیم نماید. سهم اصلی این پژوهش، ارتقای نقد تحلیلی به چارچوبی مفهومی و سنجش‌پذیر برای ارزیابی توسعهٔ شهری در مناظر مقدس است.

واژگان کلیدی: فرسایش مکان، جدایی گزینی، توسعهٔ مکان‌محور، منظر مذهبی

DOI: 10.22034/2.8.73
Email: sabouri.somaye@ut.ac.ir
نشریه مکتب نقدنظر، ۲ (۸): ۳۹ - ۲۸ تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۵/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۲۵ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۶/۱۰

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-12]

[DOI: 10.22034/jcr.2.8.73]

نقد نظر
شماره هشتم
شهریور ۱۴۰۵

الگوی توسعهٔ پروژه‌محور در مناظر مقدس از طریق چه مکانیسم‌هایی سبب فرسایش رابطه‌مندی مکان می‌شود و توسعهٔ مکان‌محور با اتکا بر چه معیارهایی می‌تواند این فرایند تخریبی را مهار و بازتنظیم نماید؟

مقدمه و بیان مسئله

مناظر مقدس را نمی‌توان به کالبدی شاخص، حریم بصری یا مقصدی برای ادای مناسک فروکاست؛ این مناظر، سامانه‌هایی چندلایه‌اند که در آن‌ها امر قدسی از طریق هم‌نشینی اندام‌وار کالبد، حرکت، آیین، سکونت، اقتصاد، حافظهٔ جمعی و نهادهای اجتماعی بازتولید می‌شود. در شهرسازی ایرانی، زیارتگاه کیفیتی ساختاردهنده در سازمان‌یابی بازار، محله، شریان‌های حرکتی و فضاهای همگانی داشته و پیوندی وثیق میان کانون مقدس و حیات روزمره برقرار می‌کرده است (Farzin, 2010; Ashouri, 2014; Nattagh & Mokhles, 2019). از این‌رو، مرز منظر مذهبی به حصار کالبدی محدود نمی‌شود؛ بلکه پهنهٔ پیرامونی، بخشی لاینفک از سیر تشرف و عرصه‌ای برای ادراک تدریجی، مکث و بازشناسی امر قدسی است (Khorramrouei et al., 2019; Izadi et al., 2020; Eslami et al., 2020). این بن‌مایه با خوانش رابطه‌ای از «مکان» هم‌راستاست؛ دیدگاهی که مکان را نه ظرفی خنثی، بلکه برآمد پویای مناسبات متقابل مادیت، فعالیت، ادراک فضایی، حافظه، زمان‌مندی و روابط اجتماعی می‌داند (Relph, 1976; Tuan, 1977; Cresswell, 2004). در نظریه‌پردازی‌های بومی نیز حس تعلق به مکان، برآمد تعامل هم‌زمان ویژگی‌های کالبدی، عملکردی، ادراکی و معنایی تبیین شده است (پرتوی، ۱۳۸۲؛ فلاحت، ۱۳۸۵؛ Daneshpour et al., 2009؛ Basiri Mozhdehi et al., 2020). بر این قیاس، «ماهیت مکان» در پژوهش حاضر نه ذات تغییرناپذیر، بلکه منطق تاریخی روابطی است که تداوم هم‌زمان زیارت، سکونت، معیشت، حافظه و کنشگری عمومی را امکان‌پذیر می‌سازد. از این‌رو، مسئلهٔ حفاظت شهری، تداوم‌بخشی به ظرفیت مکان در بازتولید مناسبات مقوم خویش در مواجهه با تحولات است. بااین‌وجود، پارادایم‌های معاصر توسعه، موفقیت مداخلات را غالباً به شاخص‌های کمّی نظیر ارتقای ظرفیت کالبدی، تسهیل شبکه حرکتی و جذب سرمایه فرو می‌کاهند. یک مداخله شهری می‌تواند از منظر مهندسی ترافیک موفق باشد، اما هم‌زمان منجر به تخریب مسیرهای تشرف تاریخی، اضمحلال

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-12]
[DOI: 10.22034/jcr.2.8.73]

فضاهـای واسـط، گسسـت سـکونت پایـدار و تضعیـف اقتصـاد خـرد گـردد. ادبیـات آسیب‌شناسـانه توسـعه مکان‌خنثـی نیـز مؤیـد آن اسـت کـه ارزیابی‌هـای صرفـاً کمّـی، تمایـزات تاریخـی، نهـادی و اجتماعـی بسـترها را مغفـول می‌گذارنـد (Barca et al., 2012; Rodríguez-Pose, 2018). ایـن چالـش در بافـت پیرامـون حـرم مطهـر رضـوی کیفیتـی بحرانـی دارد. مشـهد در تطـور تاریخـی خـود حـول یکپارچگـی حـرم، بـازار، محـلات، مسـیرها و نهـاد وقـف سـازمان یافتـه بـود؛ امـا تحـولات معاصـر موجـب دگرگونـی مرکـز تاریخـی، فشـار بـر سـکونت بومـی و اقتصـاد خـرد، و اختـلال در نسـبت زائـر و مجـاور شـده اسـت (Sarkhili et al., 2014; Hoseinzadeh & Moeini, 2020; Sabouri & Saboonchi, 2022; Nattagh & Hosseinzadeh, 2023; Kolahi et al., 2023). همگرایـی ایـن پژوهش‌هـا نشـان می‌دهـد اتـکا بـر متغیرهـای کالبـدی و اقتصـادی محـض بـرای فهـم تبعـات فضایـی کفایـت نمی‌کنـد. ادبیـات موجـود ایـن ابعـاد را جداگانـه بررسـی کرده‌انـد: پژوهش‌هـای مـکان بـر تعامـل کالبـد، فعالیـت و ادراک (Daneshpour et al., 2009; Rezaei et al., 2018)، مطالعـات منظـر آیینـی بـر نقـش مسـیر و مناسـک (Khorramrouei et al., 2019; Abarghouei Fard, 2018) و تحلیل‌هـای سـازمان فضایـی و وقـف بـر پیامدهـای سـاختاری تأکیـد ورزیده‌انـد (Kazemi Andaryan & Nejad Ebrahimi, 2021; Abarghouei Fard & Mansouri, 2021). خـلاء نظـری موجـود، فقـدان چارچوبـی جامـع بـرای تبییـن چگونگـی فرسـایش مناسـبات مـکان از طریـق اسـتحالۀ سـازمان فضایـی، تغییـر کارکـرد وقـف و تمرکـز حکمرانـی اسـت. گفتمـان حاضـر بـا مفهوم‌سـازی «فرسـایش رابطه‌منـدی مـکان»، بـه دنبـال پاسـخ بـه ایـن پرسـش محـوری اسـت کـه الگـوی توسـعۀ پروژه‌محـور در مناظـر مقـدس از طریـق چـه مکانیسـم‌هایی سـبب فرسـایش رابطه‌منـدی مـکان می‌شـود و توسـعۀ مکان‌محـور بـا اتـکا بـر چـه معیارهایـی می‌توانـد ایـن فراینـد تخریبـی را مهـار و بازتنظیـم نمایـد؟ ایـن مطالعـه بـا اتخـاذ راهبـرد کیفـی و تحلیـل مضمـون اسـناد، بافـت پیرامـون حـرم رضـوی را به‌مثابـه مـوردی روشـنگر بـرای تبییـن اختـلال در شـبکۀ مناسـبات و ارائـۀ معیارهـای سـنجش‌پذیر توسـعۀ مکان‌محـور تحلیـل می‌کنـد.

چارچوب مفهومی

شـالودۀ نظـری پژوهـش بـر ایـن گـزاره اسـتوار اسـت کـه «مـکان» نـه ظرفـی کالبـدی و خنثـی، بلکـه برآمـد پویـا و تاریخـی مناسـبات میـان مادیـت، فعالیـت، ادراک، حافظـه، زمان‌منـدی و سـاختارهای اجتماعی-نهـادی اسـت. بـر ایـن قیـاس، تصویـر ۱ مـدل مفهومـی را در سـه لایـۀ هم‌پیوسـته سـامان می‌دهـد: لایـۀ نخسـت بـه مرزبنـدی مفاهیـم، لایـۀ دوم بـه سـطوح قوام‌دهنـدۀ رابطه‌منـدی در منظـر مذهبـی، و لایـۀ سـوم بـه مدلـی تبیینـی بـرای تحلیـل اثـرات توسـعۀ پروژه‌محـور بـر تـداوم یا فرسـایش روابـط مـکان می‌پـردازد. ایـن تفکیـک سلسـله‌مراتبی، جایـگاه تحلیلـی مفاهیـم را در زنجیـرۀ اسـتدلال شـفاف می‌سـازد (تصویـر ۱). در لایـۀ نخسـت، «فضـا» بسـتر مـادی کنـش اسـت، امـا «مـکان» زمانـی تحقـق می‌یابـد کـه فضـا از مجـرای تجربـۀ زیسـته، ادراک و حافظـه بـار معنایـی یابـد. «هویـت مـکان» الگـوی تـداوم و بازشناسـی جمعـی و «حـس مـکان» کیفیـت عاطفـی مواجهـه با محیـط اسـت. «منظر» نیـز نـه سـیمای بصـری، بلکـه کلیتـی ادراک‌پذیـر از تعامـل عیـن، ذهـن، تاریـخ و عمـل اجتماعی اسـت؛ از ایـن‌رو، تقلیـل منظـر بـه ابعـاد عینـی یـا خلـط سـازمان فضایی بـا هندسـۀ صـوری، مانع تحلیـل جامع محیـط اسـت (Mahan & Mansouri, 2017; Mansouri & Hemmati, 2021). تعبیـر «ماهیت مـکان» نـه ذات صلـب، بلکـه منطـق تاریخـی روابط سـازندۀ مـکان اسـت. مفهوم محـوری مطالعـه، یعنی

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-12]
[DOI: 10.22034/jcr.2.8.73]

«رابطه‌منـدی مـکان»، کیفیـت هم‌افزایـی میـان مؤلفه‌هـای کالبـدی، اجتماعـی، معنایـی و نهـادی را تبییـن می‌کنـد. ادبیـات نظـری، پدیـدۀ بی‌مکانـی را بـا گسسـت تجربـۀ زیسـته از فضـا مرتبـط دانسـته اسـت (پرتـوی، ۱۳۸۲؛ فلاحـت، ۱۳۸۵؛ Daneshpour et al., 2009; Basiri Mozhdehi, 2020). بنابرایـن، حفاظـت از مـکان بـه معنـای انجمـاد صـورت گذشـته نیسـت، بلکـه تداوم‌بخشـی بـه ظرفیـت مـکان در بازآفرینـی مناسـبات مقـوم خویـش اسـت. مطابـق بخـش میانـی تصویـر ۱، رابطه‌منـدی مـکان در چهـار سـطح متقابـلاً وابسـته تحقـق می‌یابـد: کالبدی-فضایـی (پیوسـتگی مسـیرها، دیـد و فضاهـای واسـط)، اجتماعی-عملکـردی (سـکونت، مناسـک، اقتصاد خـرد و حیات روزمـره)، معنایی-زمانـی (حافظه، روایـت و تکـرار آیین‌هـا) و نهادی-قدرتـی (مالکیـت، وقـف و توزیـع منفعـت). ارزش مـدل در وابسـتگی متقابـل ایـن سـطوح اسـت؛ بـرای نمونـه، تعریض یک مسـیر تاریخـی صرفاً تغییر دسترسـی نیسـت، بلکه توالـی تشـرف، حیـات کسـبه و تمـاس اجتماعـی زائـر و مجـاور را هم‌زمـان دسـتخوش اختـلال می‌سـازد. در منظـر مذهبـی، امـر قدسـی در توالـی فضایی-اجتماعـی سـیر تشـرف بازتولیـد می‌شـود. بخش راسـت تصویـر ۱ ایـن توالـی را از مواجهـه تـا مکـث، مبـادلات، سـکونت و بازگشـت بازنمایـی می‌کنـد. حریـم مـکان مقـدس نـه خطـی حقوقـی، بلکـه پهنـه‌ای از روابـط ادراکـی، رفتـاری و نمادیـن اسـت. زیارتـگاه به صـورت تاریخـی از طریـق بازار، محله و مسـیرها با شـهر پیونـد یافتـه اسـت (Farzin, 2010; Ashouri, 2014; Nattagh & Mokhles, 2019; Izadi et al., 2020; Eslami et al., 2020). از ایـن‌رو، افزایـش سـرعت دسترسـی الزامـاً بـه معنـای ارتقـای تجربـۀ زیـارت نیسـت، زیـرا ممکـن اسـت کیفیـت مکـث و تعامـلات اجتماعـی را تضعیـف کنـد. بخـش تحتانـی تصویـر ۱، مـدل تبیینـی را صورت‌بنـدی می‌کنـد. اثـرات توسـعۀ پروژه‌محـور از طریـق سـه سـازوکار واسـطه‌ای اعمـال می‌شـود: سـازمان فضایـی یـا نظـام روابـط مراکـز و محـلات (Mansouri, 2007; Abarghouei Fard & Mansouri, 2021; Mansouri & Mohammadzadeh, 2018)، نهـاد وقـف بـه عنـوان متصل‌کننـده منابـع بـه منفعـت عمومـی (Kazemi Andaryan & Nejad Ebrahimi, 2021; Karimian et al.,) و حکمرانـی به‌مثابـه نحـوۀ توزیـع قـدرت و منافـع (Maghsoudi, 2019). پیامـد نهایـی بـه کارکـرد این سـازوکارها بسـتگی دارد؛ اختـلال در آن‌هـا بـه فرسـایش مـکان و گسسـت میـان زائـر و مجـاور، زیـارت و حیـات روزمـره، و سـرمایه‌گذاری و منفعـت عمومـی می‌انجامـد. بدین‌ترتیـب، توسـعۀ مکان‌محـور حفـظ قابلیـت اسـتمرار و بازآفرینـی مناسـبات مقـوم مـکان در شـرایط تغییـر تبییـن می‌شـود.

روش پژوهش

ایـن مطالعـه از نظـر هـدف، نظری-تبیینـی و مبتنی‌بـر راهبـرد کیفـی اسـت. جهـت پاسـخ‌گویی بـه پرسـش مقالـه، روش مـرور مفهومی-انتقـادیِ هدایت‌شـده همـراه بـا تحلیـل مضمـون قیاسی-اسـتقرایی بـه کار رفـت. پیکـرۀ اولیـۀ پژوهـش مشـتمل بـر ۴۳ منبـع تخصصـی در حوزه‌هـای نظریـۀ مـکان و منظـر، منظـر مذهبـی، سـازمان فضایـی شـهر ایرانـی، نهـاد وقـف، حکمرانـی توسـعه و تحـولات بافـت پیرامـون حـرم مطهـر رضـوی بـود. معیارهـای ورود شـامل ارتبـاط مسـتقیم بـا ارکان مـدل، انتشـار در مراجـع علمـی معتبـر، روش‌شناسـی متقـن و امـکان اعتبارسـنجی اطلاعـات کتاب‌شـناختی بـود. متـون ترویجـی فاقـد روش‌شناسـی و مطالعـات محـدود بـه کالبـد بنـای حـرم - بـدون تحلیـل نسـبت آن بـا سـاختار شـهری - از فراینـد بررسـی خـارج شـدند. واحـد تحلیـل، هـر «گـزارۀ پژوهشـی» بـود کـه رابطۀ میـان یـک مداخلـه توسـعه‌ای و ابعـاد کالبدی-فضایـی، اجتماعی-عملکـردی، معنایی-زمانـی، اقتصادی یا نهادی-قدرتـی مـکان را تبییـن می‌کـرد. تحلیـل در سـه گام پیوسـته انجـام شـد: نخسـت، کدگـذاری

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-12]
[DOI: 10.22034/jcr.2.8.73]

گزاره‌های مرتبط با نوع مداخله، سازوکار اثرگذاری، گروه‌های متأثر و پیامدها؛ دوم، دسته‌بندی کدها از طریق رفت‌وبرگشت قیاسی- استقرایی در سه مقولهٔ واسطه‌ای «سازمان فضایی»، «نهاد وقف» و «حکمرانی»؛ و سوم، تطبیق الگوها با یافته‌های بافت پیرامون حرم رضوی. این بافت نه مطالعهٔ میدانی مستقل، بلکه موردی روشنگر مبتنی‌بر منابع ثانویه جهت اعتبارسنجی چارچوب نظری بود. برای ارتقای روایی تحلیل‌ها، ورود هر گزاره منوط به تکرار در حداقل دو منبع مستقل یا ارائه شواهد قابل ارزیابی بود. همچنین شواهد ارتقای خدمات و دسترسی ثبت گردید تا تحلیل از سوگیری تأییدی مصون بماند. دامنهٔ استنتاج مقاله به تبیین نظری و سنتز انتقادی ادبیات محدود است و مرزبندی شفافی میان یافته‌های حاصل از سنتز و شواهد موردی رعایت شد.

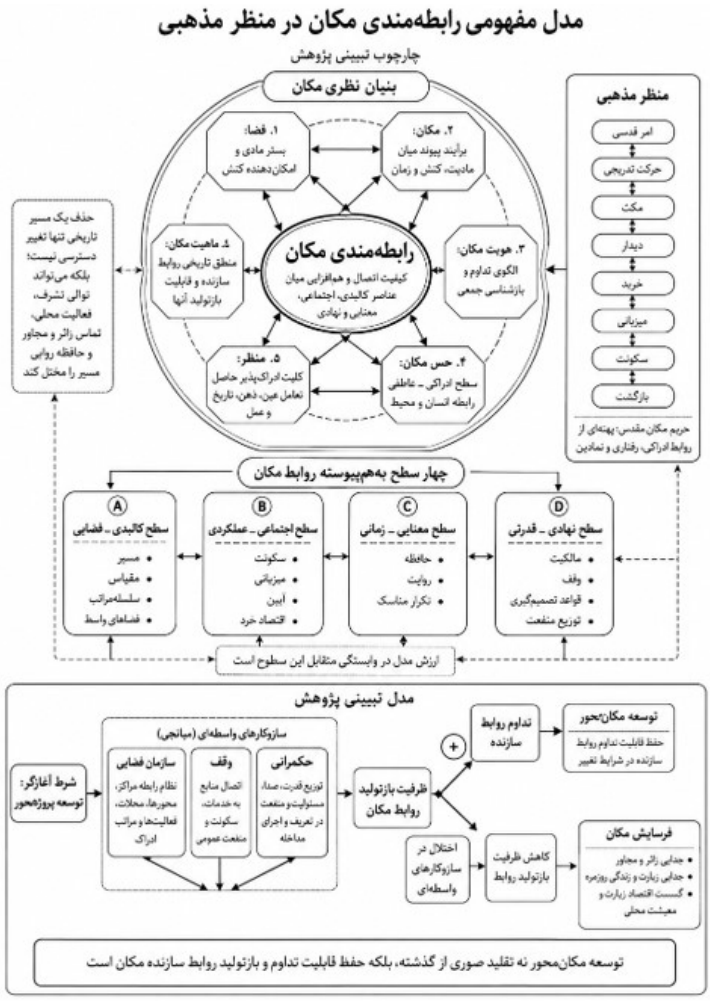

تصویر ۱. مدل مفهومی-تبیینی فرسایش رابطه‌مندی مکان در فرایند توسعهٔ مناظر مذهبی. مأخذ: ترسیم نگارنده بر پایهٔ تحلیل و سنتز مفهومی ادبیات پژوهش.

الگوی توسعه پروژه‌محور با تقلیل سازمان فضایی به دسترسی، وقف به دارایی و حکمرانی به هماهنگی میان بازیگران مسلط، روابط تاریخی، اجتماعی و معنایی مکان را تضعیف و به فرسایش رابطه‌مندی آن منجر می‌شود. در مقابل، توسعه مکان‌محور با حفظ پیوستگی فضایی، تداوم نقش اجتماعی وقف، مشارکت ذی‌نفعان و حکمرانی در خدمت منفعت عمومی، می‌تواند روابط میان کالبد، فعالیت و معنا را بازتنظیم و ظرفیت بازتولید مکان را تقویت کند.

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-12]
[DOI: 10.22034/jcr.2.8.73]

یافته‌های تحلیلی

سنتز انتقادی منابع و ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که رابطهٔ میان توسعهٔ پروژه‌محور و فرسایش مکان، رابطه‌ای مستقیم و تک‌عاملی نیست؛ بلکه آثار و تبعات مداخلات شهری از طریق سه سازوکار به‌هم‌پیوسته «سازمان فضایی»، «نهاد وقف» و «حکمرانی» به شبکهٔ مناسبات مکان منتقل می‌شود. بر این قیاس، افزایش ظرفیت حرکتی، ارتقای خدمات شهری یا جذب سرمایه‌گذاری فی‌نفسه به معنای فرسایش مکان تلقی نمی‌شود؛ بلکه مسئله زمانی رخ می‌نماید که منطق تحقق این اهداف، سازمان فضایی را به زیرساخت ترافیکی و جابه‌جایی، نهاد وقف را به دارایی اقتصادی، و حکمرانی را به هماهنگی میان بازیگران مسلط تقلیل دهد. در چنین شرایطی، ظرفیت مکان برای پیوند کالبد، فعالیت، حافظهٔ جمعی، سکونت، آیین و منفعت عمومی دچار افت شدید می‌شود. جدول ۱ صورت‌بندی فشرده این سه یافتهٔ تحلیلی و معیارهای ارزیابی متناظر با آن‌ها را بازنمایی می‌کند.

جدول ۱. ماتریس تحلیلی سازوکارهای فرسایش رابطه‌مندی مکان در توسعهٔ مناظر مذهبی. مأخذ: تنظیم نگارنده بر پایهٔ سنتز منابع پژوهش.

سازوکار واسطه‌ای	صورت تقلیل در الگوی پروژه‌محور	نشانه‌ها و شواهد تحلیلی	پیامد در رابطه‌مندی مکان	معیار ارزیابی توسعه مکان‌محور
سازمان فضایی	فروکاستن فضا به شبکهٔ دسترسی، ظرفیت عبور و قطعات منفرد پروژه‌ای	گسست محورهای تاریخی، تضعیف فضاهای واسط، جزیره‌ای‌شدن قطعات، غلبهٔ حرکت بر مکث	جدایی مقصد از مسیر، زائر از محله و حرکت از فعالیت و معنا	پیوستگی مسیرهای تشرف، چندعملکردی‌بودن فضا، مقیاس انسانی، امکان مکث و خوانایی تدریجی
نهاد وقف	تقلیل نهاد وقف به مالکیت، ارزش دارایی یا منبع تأمین مالی پروژه	تمرکز منابع، ضعف اتصال درآمد به خدمات محلی، سکونت و گروه‌های کم‌توان	جدایی منابع اقتصادی از نیازهای روزمره و منفعت عمومی	جهت‌گیری و توزیع عادلانه منفعت، تنوع خدمات، پاسخ‌گویی و پیوند منابع با سکونت و آیین
حکمرانی	تمرکز تصمیم‌گیری در ائتلاف‌های پروژه‌ای و مشارکت پس از تثبیت طرح	ضعف نمایندگی، ابهام در تملک و توزیع منافع، انتقال هزینهٔ جابه‌جایی به گروه‌های کم‌قدرت	جدایی قدرت از مسئولیت، سرمایه از منفعت عمومی و تصمیم از تجربهٔ زیسته	مشارکت مؤثر، شفافیت، عدالت توزیعی، نمایندگی ذی‌نفعان و ارزیابی پس از اجرا
برآیند ترکیبی	هم‌جهتی سه سازوکار در خدمت حرکت، ارزش زمین و مصرف موقت	کاهش سکونت و اقتصاد خرد، تضعیف تماس زائر و مجاور، اختلال در توالی زیارت	فرسایش ظرفیت بازتولید روابط و ظهور جدایی گزینی چندلایه	سنجش هم‌زمان تداوم فضایی، اجتماعی، معنایی و نهادی

تقلیل سازمان فضایی به زیرساخت حرکت

یافتهٔ نخست پژوهش بیانگر آن است که چالش اصلیِ فضایی در توسعهٔ پروژه‌محور، صرفاً دگرگونی فرمی یا جایگزینی یک الگوی هندسی با الگویی دیگر نیست؛ بلکه استحالهٔ منطق ارتباطی میان ارکان شهری است. در سازمان فضایی و تاریخی شهر ایرانی، کانون مذهبی از طریق شبکه‌ای اندام‌وار متشکل از بازار، محله، میدان، مسیرهای تشرف، دروازه‌ها و نظام فعالیت با کلیت پیکرهٔ شهر پیوند می‌یافت. در این ساختار، معنای کانون مقدس نه به‌مثابه بنایی مجرد، بلکه در توالی و هم‌نشینی این عناصر فضایی بازتولید می‌شد (Mansouri, 2007 Abarghouei Fard & Mansouri, 2021; Mansouri

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-12]
[DOI: 10.22034/jcr.2.8.73]

& Mohammadzadeh, 2018). از این منظر، مسیر تشرف صرفاً کوتاه‌ترین راه دستیابی به مقصد نیست، بلکه بستری برای تحول تدریجی ادراک، مکث، مبادله، مواجهه اجتماعی و آمادگی روحی و آیینی به شمار می‌رود. شواهد پژوهشی در بافت پیرامون حرم مطهر رضوی نشان می‌دهد که تحولات چند دهۀ اخیر، در کنار ارتقای ظرفیت و تسهیل شبکۀ دسترسی، نسبت ساختاری میان مرکز تاریخی، محلات سکونتی و کانون زیارتی را دچار دگرگونی کرده است. نطاق و حسین‌زاده (Nattagh & Hosseinzadeh, 2023) تحول سازمان فضایی مشهد را با تضعیف انسجام مرکز تاریخی و دگرگونی در نسبت زائر و مجاور مرتبط می‌دانند. صبوری و صابونچی (Sabouri & Saboonchi, 2022) نیز در ارزیابی توسعۀ خیابان امام رضا (ع)، بر بروز گسست‌های فضایی و فرسایش کیفیت مکان‌مندی تأکید ورزیده‌اند. این همگرایی در یافته‌ها به معنای نفی لزوم تسهیل دسترسی یا خدمات‌رسانی نیست؛ بلکه آشکار می‌سازد که هرگاه کارایی ترافیکی جانشین کیفیت سازمان فضایی گردد، پهنۀ پیرامونی حرم از شبکه‌ای برای زیست شهری و تولید تجربۀ معنایی، به مجرایی صرف برای جابه‌جایی سریع جمعیت تقلیل می‌یابد. پیامد ساختاری این تقلیل، گسست میان حرکت و مکث، مسیر و مقصد، زائر و محله، و کالبد و فعالیت است. اضمحلال فضاهای واسط و تضعیف فعالیت‌های روزمره، توالی ادراکی تشرف را مختل کرده و تجربۀ زیارت را به ورود مستقیم و گسسته به مجموعه مقدس محدود می‌سازد. ازاین‌رو، همان‌گونه که در جدول ۱ صورت‌بندی شده، ارزیابی سازمان فضایی باید افزون بر ظرفیت حرکتی، معیارهایی چون پیوستگی مسیرهای تشرف، پیوند محلات با شبکۀ اصلی، امکان مکث، تنوع عملکردی و خوانایی تدریجی امر قدسی را مد نظر قرار دهد.

گسست کارکرد اجتماعی–فضایی نهاد وقف

یافتۀ دوم پژوهش آشکار می‌سازد که نقش و اهمیت نهاد وقف در پایداری منظر مذهبی، به حجم دارایی‌ها یا دامنه مالکیت آن تقلیل نمی‌یابد؛ بلکه ارزش مکانی وقف برآمدِ کیفیت پیوند منابع اقتصادی آن با خدمات عمومی، سکونت بومی، مناسک آیینی و نیازهای جمعی است. ادبیات تاریخی مؤید آن است که موقوفات همواره در آفرینش و تداوم عناصر فضایی همچون شریان‌های حرکتی، بازارها، تأسیسات آب‌رسانی، فضاهای خدماتی، عرصۀ سکونت و فضاهای همگانی نقشی ایفا کرده‌اند. بررسی تطور موقوفات مشهد در عصر صفوی، اثرپذیری شکل‌گیری خیابان، میدان، دروازه و نظام کاربری شهر را از این نهاد نشان می‌دهد (Kazemi Andaryan & Nejad Ebrahimi, 2021). همچنین، تحلیل موقوفات شهر ری در دورۀ قاجار، نقش وقف را در تولید و سازمان‌دهی فضاهای شهری به اثبات می‌رساند (Karimian et al., 2017). بااین‌حال، نمی‌توان وقف را ذاتاً و در تمامیِ شرایط حافظ مکان دانست؛ همان‌گونه که هرگونه بهره‌برداری اقتصادی از موقوفات نیز ضرورتاً به معنای تخریب مکان نیست. متغیر کلیدی دراین‌میان، «جهت‌گیری منافع» است. هنگامی که درآمدها و منابع وقفی با اسکان گروه‌های کم‌درآمد، تأمین خدمات روزمره، حمایت از بازار محلی، پایش مسیرهای تشرف و بازتولید آیین‌ها پیوند می‌خورند، نهاد وقف نقشی واسطه‌ای میان امر قدسی و حیات اجتماعی ایفا می‌کند. در مقابل، چنانچه تمرکز منابع بر بیشینه‌سازی ارزش دارایی‌ها و تأمین مالی پروژه‌های متمرکز استوار گردد، ظرفیت مکان‌سازی و رابطه‌آفرینی وقف تضعیف می‌شود. از این‌رو، مطابق آنچه در جدول ۱ بازنمایی شده، ارزیابی نقش وقف مستلزم سنجش طیف بهره‌مندان، تنوع و مقیاس خدمات، پراکندگی فضایی منافع و شفافیت نسبت میان درآمدهای وقفی با پیامدهای فضایی آن است.

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-12]
[DOI: 10.22034/jcr.2.8.73]

تمرکز حکمرانی و برون‌سپاری هزینه‌های توسعه

یافتۀ سوم نشان می‌دهد که فرسایش مکان صرفاً محصول مراحل طراحی و ساخت کالبدی نیست؛ بلکه ریشه در نحوۀ تبیین مسئله، اولویت‌گذاری، تملک زمین، تخصیص منابع و ساختار توزیع قدرت دارد. نقد الگوی تمرکزگرا در سیاست‌های توسعۀ شهری ایران بیانگر آن است که غلبۀ تصمیم‌گیری‌های تخصصی و تک‌عاملی، ظرفیت مشارکت عمومی و بازنمایی ارزش‌های محلی را به شدت محدود می‌سازد (Maghsoudi, 2019). ارزیابی کل‌نگر پروژۀ میدان شهدای مشهد نیز مؤید این واقعیت است که احداث فضاهای شهری جدید، بدون لحاظ هم‌زمان مناسبات ادراکی، اجتماعی و عملکردی، الزاماً به ارتقای کیفیت فضای جمعی نمی‌انجامد (Hoseinzadeh & Moeini, 2020). در بافت پیرامون حرم مطهر، تمرکز ساختار تصمیم‌گیری و مداخلۀ دیرهنگام ذی‌نفعان موجب شده است کیفیاتی همچون پایداری سکونت، حافظۀ جمعی، سرمایۀ اجتماعی، سنت میزبانی و شبکه‌های کسب‌وکار خرد در برابر ارزش مبادله‌ای زمین حاشیه‌نشین شوند. تحلیل هم‌زمان نیروهای مذهبی و اقتصادی در منطقۀ ثامن، اثرگذاری این دو مؤلفه را بر تحول فرم شهری نشان می‌دهد (Sarkhili et al., 2014). افزون بر این، ارزیابی‌های اجتماعی-اقتصادی طرح‌های نوسازی گواه آن است که افزایش ارزش زمین و تمرکز کاربری‌های تجاری سودآور، در عین ایجاد فرصت‌های سرمایه‌گذاری، توان ماندگاری سکونت بومی و فعالیت‌های اقتصادی خرد را تضعیف کرده است (Kolahi et al., 2023). بنابراین مسئلۀ اصلی، صرفِ حضور دولت، نهاد مذهبی یا بخش خصوصی نیست؛ بلکه کیفیت سازوکارهایی است که قدرت، منفعت، هزینه و مسئولیت را میان این بازیگران توزیع می‌کند. تلفیق یافته‌های تحلیلی نشان می‌دهد که این سه سازوکار واسطه‌ای رفتاری کاملاً هم‌افزا و متقابل دارند. حکمرانی متمرکز، سازمان فضایی را به سمت اولویت‌های حرکتی و ارزش‌افزوده زمین سوق می‌دهد؛ همین منطق، منابع نهاد وقف را به سمت پروژه‌های متمرکز هدایت می‌نماید؛ و دگرگونی فضایی حاصل از این فرایند، ظرفیت سکونت پذیری، اقتصاد خرد و تعامل اجتماعی زائر و مجاور را دستخوش اختلال می‌سازد. در نهایت، پاسخ نظری پژوهش بر این اصل استوار است که توسعۀ پروژه‌محور هنگامی به فرسایش مکان می‌انجامد که این سه سازوکار واسطه‌ای به‌طور هم‌زمان توان بازتولید مناسبات مقوم مکان را تضعیف کنند، نه صرفاً زمانی که ساخت‌وساز جدیدی در محیط رخ داده باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

برآیند تحلیل‌ها نشان می‌دهد رابطۀ میان توسعۀ پروژه‌محور و فرسایش مکان، رابطه‌ای خطی و صرفاً متأثر از مداخلات کالبدی نیست؛ بلکه کیفیت و جهت‌گیری این رابطه به نحوۀ کارکرد سه سازوکار واسطه‌ای «سازمان فضایی»، «نهاد وقف» و «حکمرانی» بستگی دارد. همان‌گونه که در شکل ۲ صورت‌بندی شده است، چالش محوری نه نوآمد بودن مداخله شهری است و نه افزایش ظرفیت خدماتی؛ بلکه مسئله در منطق درونی توسعه و سنخ روابطی نهفته است که در فرایند تحقق طرح حفظ، بازتنظیم یا حذف می‌شوند. این دستاورد، الگوی رایج در ارزیابی پروژه‌های پیرامونی اماکن مقدس را با تردید جدی مواجه می‌سازد؛ زیرا تعریض معابر، ارتقای ظرفیت اقامتی، افزایش سرعت دسترسی یا رشد ارزش اقتصادی زمین، اگرچه پاسخ‌گوی بخشی از نیازهای عینی شهر زیارتی است، اما فی‌نفسه دلالتی بر ارتقای کیفیت مکان ندارد. رویکردهای مکان‌محور نیز تنها زمانی واجد اعتبار تحلیلی هستند که تمایزات تاریخی، نهادی و اجتماعی بستر را در فرایند

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-12]
[DOI: 10.22034/jcr.2.8.73]

تصمیم‌گیری لحاظ کنند، نه آنکه به سازگاری‌های صوری طرح با زمینهٔ معماری بسنده ورزند (Barca et al., 2012; Rodríguez-Pose, 2018).

در مرتبهٔ فضایی، یافته‌ها گواهی می‌دهند که فروکاستن سازمان فضایی به شبکهٔ حرکت و دسترسی، پیوند میان مسیر، مکث، تنوع فعالیت و ادراک تدریجی کانون قدسی را تضعیف می‌سازد. مطالعات تحولات شهری مشهد و محور امام رضا (ع) نیز، در کنار مزایای دسترسی و خدمات‌رسانی، از تضعیف انسجام برخی روابط تاریخی و دگرگونی نسبت سکونت و زیارت حکایت دارند (Nattagh & Hosseinzadeh, 2023; Sabouri & Saboonchi, 2022). با این همه، مسئلهٔ پژوهش صرفاً صیانت نوستالژیک از فرم تاریخی نیست؛ زیرا بازتولید صورت گذشته، بدون استمرار حیات اجتماعی، سکونت و فعالیت بومی، به تولید کالبدی واجد ظاهر تاریخی اما تهی از حیات مکانی می‌انجامد. در منطق تحلیلی تصویر ۲، این عارضه زمانی رخ می‌دهد که سازمان فضایی از نظام مکان‌ساز، به زیرساختی صرف برای جابه‌جایی و توزیع جمعیت تقلیل یابد. در مرتبهٔ نهادی، تحلیل کارکرد وقف نشان داد که موقوفه ذاتاً و خودبه‌خود حافظ مکان نیست؛ بلکه ظرفیت مکان‌سازی آن به چگونگی پیوند منابع وقفی با خدمات عمومی، سکونت، آیین‌ها و نیازهای جمعی گره خورده است. شواهد تاریخی نقش وقف را در شکل‌گیری سازمان فضایی و ساختار خدمات شهری تأیید می‌کنند؛ اما همین نهاد، در صورت تقلیل به ارزش دارایی یا منبع تأمین مالی پروژه‌ها، از کارکرد اجتماعی و رابطه‌ساز خود فاصله می‌گیرد (Kazemi Andaryan & Nejad Ebrahimi, 2021; Karimian et al., 2017).

به همین ترتیب، مشارکت شهری نیز با حضور صوری ذی‌نفعان محقق نمی‌شود؛ حکمرانی مکان‌محور مستلزم اثرگذاری واقعی آنان در تبیین مسئله، توزیع منافع و ارزیابی پیامدهاست. در غیر این صورت، هزینه‌های جابه‌جایی، کاهش استطاعت سکونتی و اضمحلال کسب‌وکارهای خرد به گروه‌هایی منتقل می‌شود که کمترین سهم را در ساختار تصمیم‌گیری دارند (Hoseinzadeh & Moeini, 2020; Kolahi et al., 2023; Maghsoudi, 2019).

در پاسخ صریح به پرسش محوری مقاله، توسعهٔ پروژه‌محور هنگامی به فرسایش رابطه‌مندی مکان می‌انجامد که سازمان فضایی را به دسترسی، نهاد وقف را به دارایی، و حکمرانی را به هماهنگی میان بازیگران مسلط تقلیل دهد. مطابق تصویر ۲، برهم‌کنش این سه تقلیل ساختاری، ظرفیت مکان را در بازتولید مناسبات میان حرم و شهر، زائر و مجاور، زیارت و حیات روزمره، و اقتصاد زیارت و معیشت محلی کاهش می‌دهد. ازاین‌رو، جدایی‌گزینی عارضه مستقلی نیست، بلکه بازنمود فضایی، اجتماعی و نهادی فرسایش رابطه‌مندی مکان است که در اثر کاهش توان بازتولید روابط مقوم مکان پدیدار می‌شود. سهم دانش‌افزایی این گفتمان در سه محور اساسی قابل دسته‌بندی است: مفهوم‌سازی دقیق «فرسایش رابطه‌مندی مکان»، تشریح نقش واسطه‌ای سه سازوکار سازمان فضایی، وقف و حکمرانی، و در نهایت ارتقای توسعهٔ مکان‌محور از یک آرمان هنجاری به چارچوبی سنجش‌پذیر. همان‌طور که بخش پایانی تصویر ۲ بازنمایی می‌کند، توسعهٔ مکان‌محور به معنای بازسازی موزه‌ای گذشته یا تقلید فرمی نیست؛ بلکه دلالت بر حفظ قابلیت اتصال عادلانه کالبد، فعالیت، معنا، حافظهٔ جمعی و نهادها در بستری پویا و متحول دارد. با توجه به اتکای مطالعهٔ حاضر بر اسناد و منابع ثانویه، نتایج آن نباید ارزیابی میدانی تمام پهنهٔ پیرامونی حرم تلقی شود؛ ازاین‌رو، سنجش تجربی این مدل مستلزم پژوهش‌های طولی، تحلیل نقشه‌های مالکیت، بررسی دقیق نظام تخصیص منابع وقفی و سنجش مشارکتی تجربهٔ زیستهٔ زائران، مجاوران و کسبه بافت خواهد بود.

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-12]
[DOI: 10.22034/jcr.2.8.73]

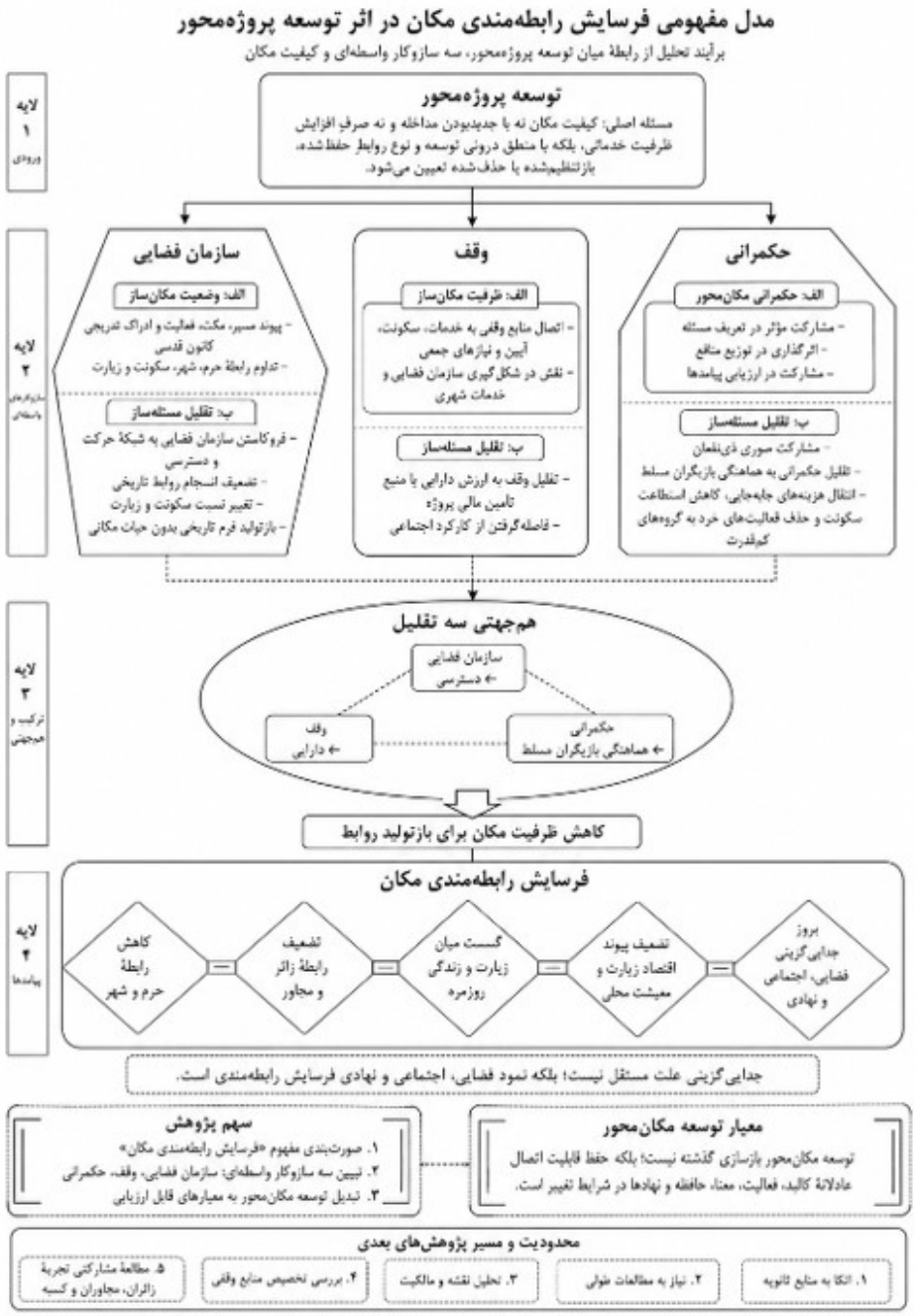

تصویر ۲. مدل تبیینی فرسایش رابطه‌مندی مکان در اثر توسعهٔ پروژه‌محور. مأخذ: ترسیم نگارنده بر پایهٔ سنتز یافته‌های پژوهش.

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-12]

[DOI: 10.22034/jcr.2.8.73]

COPYRIGHTS
Copyright for this article is retained bye the authors with publication rights granted to Journal of Critical Reviews (JCR); The Iranian Journal of Critical Studies in Place. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (https://creativecommons.org/version4/)

منابع

- پرتوی، پرویز. (۱۳۸۲). مکان و بی‌مکانی؛ رویکردی پدیدارشناسانه. *هنرهای زیبا*، (۱۴)، ۴۰–۵۰. https://ecc.isc.ac/showJournal/994/1165/11781
- فلاحت، محمدصادق. (۱۳۸۵). مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهندهٔ آن. *هنرهای زیبا*، ۱(۲۶)، ۵۷–۶۶. https://sid.ir/paper/5847/fa
- Abarghouei Fard, H., & Mansouri, S. A. (2021). Reviewing the Constituent Components of the Spatial Organization of Iranian City after Islam in the 9th–14th AH Travelogues. *MANZAR, the Scientific Journal of landscape, 13*(55), 20-29. https://doi.org/10.22034/manzar.2021.240065.2070
- Abarghouei Fard, H., Saboonchi, P., & Farzin, A. A. (2018). An Investigation into the Role of Ritual Landscapes in the Identity of Iranian Cities. *Bagh-e Nazar, 15*(65), 5-12. https://doi.org/10.22034/bagh.2018.74072
- Ashouri, A. (2014). Spiritual City Landscape. *MANZAR, the Scientific Journal of landscape, 5*(24), 36-39. https://www.manzar-sj.com/article_4070_0.html
- Barca, F., McCann, P., & Rodríguez-Pose, A. (2012). The case for regional development intervention: Place-based versus place-neutral approaches. *Journal of Regional Science, 52*(1), 134–152. https://doi.org/10.1111/j.1467-9787.2011.00756.x
- Basiri Mozhdehi, R., Daneshpour, S. A., & Alalhesabi, M. (2020). Redefining the Ontology of Place as the Urban-Relational. *Bagh-e Nazar, 17*(90), 5-18. https://doi.org/10.22034/bagh.2020.202498.4316
- Cresswell, T. (2004). *Place: A short introduction*. Blackwell.
- Daneshpour, S. A., Sepehri Moqaddam, M., & Charkhchian, M. (2009). Explanation to "Place Attachment" And investigation of its effective factors. *Journal of Fine Arts: Architecture & Urban Planning, 1*(38), 37-48. https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22286020.1388.1.38.4.8
- Eslami, S., Zamani, B., & Nooraie, H. (2022). An Evaluation of the Behavior Settings in the Territory of Sacred Places Case Study: The Peripheral Territory of Hazrat Masoumeh's Holy Shrine. *Bagh-e Nazar, 19*(107), 21-40. https://doi.org/10.22034/bagh.2021.273808.4807
- Farzin, A. A. (2010). Contemplation on the role of shrines in urban landscape creation of Iran. *MANZAR, the Scientific Journal of landscape, 2*(11), 26-27. https://www.manzar-sj.com/article_171.html
- Hoseinzadeh, M., & Moeini, S. M. (2020). The Qualitative Evaluation of Urban Spaces, Application of The Holistic Landscape Approach in the Evaluation of Mashhad Shohada Square Project.. *MANZAR, the Scientific Journal of landscape, 12*(50), 50-61. https://doi.org/10.22034/manzar.2020.218402.2033
- Izadi, M. S., Asgari, N., & Nasekhian, Sh. (2020). A Review of the Semantic and Physical Structure of Sacred Places Inviolable Zone; Based on Works of Travel Literatures written from the fifth to the fourteen centuries A.H. *Iranian Islamic city studies, 10*(38), 21-36. https://dorl.net/dor/20.1001.1.2228639.1398.10.38.2.8
- Karimian, H., Bahmani, A., & Shahabi, S. M. (2017). The Influence of Endowment in Formation of Urban Spaces in Rey City during Qajar Era. *Bagh-e Nazar, 13*(44), 89-98. https://www.bagh-sj.com/article_42152.html
- Kazemi Andaryan, M. H., & Nejad Ebrahimi, A. (2021). Explaining the Effects of the Socio-Economic Institution of Waqf on the Urban Spatial Organization (Case Study: Mashhad in the Safavid Era). *Bagh-e Nazar, 18*(102), 83-100. https://doi.org/10.22034/bagh.2021.254116.4699
- Khorramrouei, R., Mahan, A., & Farzin, A. A. (2019). Explaining the ritualistic concept and studying its crystallization effects. *Hoviatshahr, 13*(2), 51-62. https://sanad.iau.ir/en/Journal/hoviatshahr/Article/794159
- Kolahi, M., Omranian Khorasani, H., & Sharifi, Z. (2023). Socio-Economic Analysis of the Renovation and Improvement Plan of Urban Texture Surrounding Razavi Holy Shrine. *Physical Social Planning, 10*(2), 17-32. https://doi.org/10.30473/psp.2023.66555.2644
- Maghsoudi, A. (2019). Modernist Unilateralism and the Urban Development Policies of Contemporary Iran. *MANZAR, the Scientific Journal of landscape, 11*(48), 6-13. https://doi.org/10.22034/manzar.2019.192557.1977
- Mahan, A., & Mansouri, S. A. (2017). The Study Of "Landscape" Concept with an Emphasis on the Views of Authorities of Various Disciplines. *Bagh-e Nazar, 14*(47), 17-28. https://www.bagh-sj.com/article_45081.html
- Mansouri, S. A. (2007). The Spatial Organization of Iranian City in Two Periods: Before and After Islam Based on the Evidences of Kerman City Evolution. *Bagh-e Nazar, 4*(7), 50-60. https://www.bagh-sj.com/article_67.html
- Mansouri, S. A., & Hemmati, M. (2021). An Evaluation of Persian-Speaking Researchers' Description and Interpretations of the Spatial Organization of Cities. *Bagh-e Nazar, 17*(92), 5-18. https://doi.org/10.22034/bagh.2020.214720.4421
- Mansouri, S. A., & Mohammadzadeh, S. (2018). The Changes of Tabriz Spatial Organization from Early Islamic Era to Gajar Era. *Bagh-e Nazar, 14*(51), 21-32. https://www.bagh-sj.com/article_49425.html
- Nattagh, M. J., & Hosseinzadeh, M. (2023). Investigation of developments and changes in Mashhad Spatial Organization. *MANZAR, the Scientific Journal of landscape, 15*(63), 26-37. -https://doi.org/10.22034/manzar.2022.344669.2195
- Nattagh, M. J., & Mokhles, F. (2019). Comparison of Two Paradigms of the Sacred Landscape in Islamic and Christian City (Case Study: Holy Shrine of Imam Reza in Mashhad and the Duomo Cathedral in Milan). *MANZAR, the Scientific Journal of*

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-12]

[DOI: 10.22034/jcr.2.8.73]

landscape, 11(48), 14-21. https://doi.org/10.22034/manzar.2019.170134.1906
- Relph, E. (1976). *Place and placelessness*. Pion.
- Rezaei, H., Keramati, G., Dehbashi sharif, M., & Nasir Salami, M. (2018). A Schematic Explanatory Pattern for the Psychological Process of Achieving Environmental Meaning and Actualizing Sense of Place Focusing on the Intervening Role of the Perception. *Bagh-e Nazar, 15*(65), 49-66. https://doi.org/10.22034/bagh.2018.74083
- Rodríguez-Pose, A. (2018). The revenge of the places that don't matter (and what to do about it). *Cambridge Journal of Regions, Economy and Society, 11*(1), 189–209. https://doi.org/10.1093/cjres/rsx024
- Sabouri, S., & Saboonchi, P. (2022). A Qualitative Assessment of the Peripheral Texture Development of a Holy Site (Case study: Imam Reza Street). *MANZAR, the Scientific Journal of landscape, 14*(61), 48-59. https://doi.org/10.22034/manzar.2022.306319.2154
- Sarkhili, E., Pourjafar, M., & Rafieian, M. (2014). Assessing the Convergence Effects of Religious and Economic forces on the Contemporary Changes in Form and Shape of Samen Region, Mashhad. *Motaleate Shahri, 3*(12), 87-101. https://urbstudies.uok.ac.ir/article_10950.html?lang=en
- Tuan, Y.-F. (1977). Space and place: The perspective of experience. University of Minnesota Press.
pact on the Structure of Nomadic Architecture. *Bagh-e Nazar, 14*(57), 63-74. https://www.bagh-sj.com/article_57879.html?lang=en

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-12]

[DOI: 10.22034/jcr.2.8.73]

COPYRIGHTS
Copyright for this article is retained bye the authors with publication rights granted to Journal of Critical Reviews (JCR); The Iranian Journal of Critical Studies in Place. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (https://creativecommons.org/version4/)